



◆ آقای دکتر، تصور ما از غرب پیش از آشنایی با تجدد چه بود؟

روشن است در دوره صفوی برای ما ایرانیان، غرب یعنی «گروهی مسیحی» و ما «مسلمان نشین» هستیم. غیر از این تفاوت، تفاوت دیگری نیست. البته این وقوف هم هست که آنها در علوم تجربی پیشرفته تر هستند، به طوری که برای ساختن بعضی از لوله کشی های اصفهان از جمله آبی که به عالی قاپو می آمده و در حوضی که طبقه چندم بوده و فواره می زده، متخصصانی از فرانسه آمدند و این را انجام دادند.

آنها ابتکار و اطلاعات فنی دارند ولی اینکه مقدمات علوم و فنون جدید در غرب چگونه بوده است، ما با آن کاری نداشته ایم؛ یعنی برای آنها [= ایرانیان آن دوره] مهم نیست که این مقدمات را باید بدانند یا حداقل مطالعه کنند که چطور شده است غربی ها متوسل به این فنون شده اند. این تصور وجود ندارد.

در قرن نوزدهم میلادی مساله خطر روس ها و عثمانی متوجه ایران است. عثمانی که از دوره صفوی جنبه تهاجمی داشت اما در اوایل قرن نوزدهم مساله خطر روس ها و عثمانی جدی می شود. از دوره فتحعلی شاه عده ای از طرف ناپلئون به ایران می آیند، اینها گروهی در حدود ۱۵ نفر بودند. ژنرال گاردان<sup>(۱)</sup> رئیس این گروه بود و نزد این گروه جوانی به اسم تانکوانی<sup>(۲)</sup> که در

اینکه مقدمات علوم و فنون جدید در غرب چگونه بوده است، ما با آن کاری نداشته ایم؛ یعنی برای آنها [= ایرانیان آن دوره] مهم نیست که این مقدمات را باید بدانند یا حداقل مطالعه کنند که چطور شده است غربی ها متوسل به این فنون شده اند. این تصور وجود ندارد

دکتر کریم مجتهدی  
مصاحبه از: محمد علی ریگی  
هنوز هم بحث های اصلی را نداریم

استاد دکتر کریم مجتهدی، متولد ۱۳۰۹ در تبریز، فیلسوف ایرانی، استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه تهران و چهره ماندگار فلسفه است. ایشان نقشی جدی در آموزش و رونق پژوهش های فلسفی در ایران داشتند. دکتر مجتهدی شأن فکر و فلسفه در تاریخ ایران را هم مد نظر داشته اند و مقالات و کتاب های مهم و ذی قیمت، با این موضوع از ایشان منتشر شده است. دو کتاب سیدجالالدین اسدآبادی و تفکر جدید و آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب، مستقیماً با فکر دوره مشروطه مربوط است و در زمره آثار محققانه و کم نظیر در نوع خود است. با دکتر مجتهدی در باب تحول، جدید و قدیم و محیزات فکر و فلسفه مدرن گفتگو کرده ایم.

به عین منعکس می کند و می نویسد: «روزی به من گفت چه قدرتی باعث برتری شما نسبت به ما می شود؟ علت پیشرفت های شما و سبب ضعف های دائمی ما چیست؟ شما هنر حکومت کردن و فاتح شدن را بلدید، در صورتی که ما در جا می زنیم و به ندرت آینده نگری می کنیم. آیا شرق کمتر از اروپا قابل سکونت و کمتر حاصلخیز است و غنای آنجا را ندارد؟ آیا پرتو آفتابی که قبل از اینکه به شما برسد، ما را روشن می کند، برای ما برکت کمتری را موجب می شود تا برای شما؟ آیا خالق عالم خیر بیشتری را برای شما می رساند تا به ما؟ آیا خداوند خواسته برای شما امتیاز بیشتری قائل شود؟ من این طور فکر نمی کنم. بگو ای مرد خارجی ما برای اعتلای ایران چه کار باید بکنیم؟ آیا من هم باید مثل تزار مسکوئی (منظور پتر کبیر است) رفتار کنم که از تخت خود پایین آمد تا بتواند شهرهای شما را از نزدیک ببیند؟ آیا من هم باید ایران را ترک کنم و این ثروت انباشته شده را بدون استفاده بگذارم؟ آیا هر آنچه را که شاهزاده ای باید بداند، باید یاد بگیرم؟»

ژوبر باز اشاره می کند که گفته های عباس میرزا به سبب علو نظر و درعین حال تواضع خاص او، توجه وی را جلب کرده است.<sup>(۳)</sup>

باز در اینجا ژوبر از میرزا شقیع - که مقام وزارت داشته است نقل می کند:

«بدون شک ما از تمدن اروپایی بسیار دور هستیم. جایی که غرب بیان مرزهای دانش را پیش از پیش وسعت می دهند، ما در علم و صنعت پیشرفت نمی کنیم و این امر به سبب آب و هوا است که انسان را لغت و مایل به استراحت و لذت پرستی می کند یا به دلایل دیگر.» او همچنین اشاره می کند که شقیع جدیدی که به ایران آورده می شود، نوعی از گیاهانی است که در این مملکت به ثمر نمی رسند، در صورتی که روس ها در قدیم جاهل بوده اند و اکنون از خیلی لحاظ بر ما برتری دارند.<sup>(۴)</sup>

[از قول عباس میرزا هم نقل کرد] پتر

مدرسه السنه شرقی (پاریس)، فارسی خوانده است [او] جوانی [است] که [در آن زمان] در حدود ۲۷ یا ۲۸ سال سن داشته [و] مترجم قسمت هایی از گلستان سعدی و بعضی از شعرا است. تانکوانی در آن سفرنامه - که من شخصاً دارم و یک کتاب بسیار کمیاب است - می گوید: «من تعجب می کنم اینها همه می خواهند متجدد شوند، به علوم و صنایع دست بیاورند ولی راجع به اسباب دریافت اینها، هیچ فکری نمی کنند. چگونه موجب می شود انسان به صنایع و علوم جدید دست پیدا کند؟ این موضوع را ایرانیان نمی دانند.» عبارتش در کتاب هست.<sup>(۵)</sup>

◆ در کتاب از قول ملکم هم چیزی مثل این نقل شده است.<sup>(۶)</sup>

میرزا ملکم خان بعدها از این جریان بسیار صحبت کرده است. چیزی که من به شما گفتم، خیلی قدیمی تر است. [قول تانکوانی مربوط به] دوران فتحعلی شاه است، نه در دوران ناصرالدین شاه. جوانکی که فارسی خوانده است، این را فهمیده ولی در دوره بعدی هم نمونه ای از این [بحث را] داریم. وقتی ژوبر در آذربایجان - که [ماجرای] آن هم باز در این کتاب<sup>(۷)</sup> است - به حضور عباس میرزا می رسد، عباس میرزا از هر سمت خود را در خطر احساس می کند و فکر می کند که از هر طرف به او حمله می شود و نیرو ندارد، به او می گوید: «ای غریبه، چه کار کرده ای که اینگونه قوی شده ای. به ما کمک کن و بگو چه کار کنیم.» ژوبر در کتاب خود نوشته است عباس میرزا خیال می کرد با خواندن یک ورد این کار درست می شود. متوجه نیست چقدر کار لازم است که چنین تحولی در ایران رخ دهد. تانکوانی قبل از ژوبر است. اینها را در کتاب نوشته ام و برایتان می خوانم:

«هیچ ایرانی ای به اندازه عباس میرزا به اهمیت علوم صنایع پی نبرده و رفتار او با عیسویان هم خوب بوده است.»

ژوبر در زمینه اخیر گفته های عباس میرزا را